

تشخیص مصلحت نظام: بر اساس اصل (۱۱۲) «اعضای ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید»، به موجب حکم مقام معظم رهبری عضو از مجمع تشخیص به شمار می‌روند.

۷. تهیه و تصویب اولین قانون مجلس خبرگان

رهبری توسط فقها: طبق اصل (۱۰۸) «قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آن‌ها و آیین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرای آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد».

۸. تأیید مصوبه مجلس مبنی بر توقف انتخابات

نقاط اشغال شده یا تمامی مملکت: بنا بر اصل (۶۸) «در زمان جنگ و اشغال نظامی کشور، به پیشنهاد رئیس‌جمهور و تصویب سه‌چهارم مجموع نمایندگان و تأیید شورای نگهبان، انتخابات نقاط اشغال شده یا تمامی مملکت برای مدت معینی متوقف می‌شود...».

اما سؤالی که اینجا مطرح می‌شود، این است که رابطه حقوقی شورای نگهبان و دیوان عدالت اداری، جزو کدام از وظایف اصلی و فرعی شورا قرار می‌گیرد؟ جایگاه دیوان عدالت اداری در قانون اساسی، ذیل اصول ۱۷۰ و ۱۷۳ تعریف شده و در هیچک از اصول مذکور، اشاره مستقیمی به رابطه دیوان با شورای نگهبان نشده است. بنابراین باید به قوانین و مقررات رجوع کنیم و ببینیم چنین وجهه حقوقی در کجا به یکدیگر مرتبط می‌باشند. اولاً طبق اصل چهارم قانون اساسی «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری،

فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است». بنابراین، علاوه بر اینکه تمامی قوانین و مقررات باید بر اساس موازین اسلامی مورد تصویب و تأیید قرار بگیرد، تنها نهاد صالح جهت تشخیص مغایرت و یا عدم مغایرت با موازین اسلامی، فقهای شورای نگهبان می‌باشد. ثانیاً با بررسی‌های موجود، رابطه حقوقی شورای نگهبان با دیوان عدالت اداری در دو (قانون و آیین‌نامه) محرز گردید که به صورت مختصر به آن پرداخته می‌شود:

۱- قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام

بر اساس تبصره ۲ ماده ۸۴ قانون مذکور «هرگاه مصوبه مورد شکایت به لحاظ مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی مطرح باشد، موضوع جهت اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال می‌شود. نظر فقهای شورای نگهبان برای هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی لازم‌الاتباع است» و طبق ماده ۸۷ همین قانون «در صورتی که مصوبه‌ای به لحاظ مغایرت با موازین شرعی برای رسیدگی مطرح باشد، موضوع جهت اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال می‌شود. نظر فقهای شورای نگهبان برای هیئت عمومی لازم‌الاتباع است». اولاً راجع به تشخیص مغایرت مصوبات با موازین شرعی، هیچ‌کدام از شعب بدوی و تجدیدنظر و همچنین هیئت‌های تخصصی و هیئت عمومی دیوان، صلاحیتی در این زمینه ندارند و بنا به مستندات مذکور، جهت استعلام اظهار نظر شرعی، شکایت مطرح شده باید به فقهای شورای نگهبان فرستاده شود. ثانیاً معنای «لازم‌الاتباع» این است که نظر فقهای شورا، فصل‌الخطاب است و نه تنها هیچ قاضی دیگری نمی‌تواند روی نظر شرعی آن‌ها ایرادی بگیرد، بلکه هرگاه فقیه یا مجتهد جامع‌الشرایطی نظر مخالفی نسبت به موضوع بند، ماده یا خود مصوبه داشت، مسموع خواهد بود و هیئت‌های تخصصی و هیئت عمومی تنها مکلف به تبعیت از نظر فقهای شورای نگهبان می‌باشند.

۲- آیین‌نامه چگونگی اداره جلسات هیئت عمومی و هیئت تخصصی، مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۴ رئیس قوه قضائیه

بر اساس ماده (۹۶) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب (۱۳۹۲) «اداره جلسات هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی، وفق این قانون، مطابق آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد». یک سال و اندی پس از تصویب قانون دیوان، آیین‌نامه چگونگی اداره جلسات هیئت عمومی و هیئت تخصصی توسط رئیس قوه قضائیه به تصویب رسید. با بررسی در آیین‌نامه فوق‌الذکر، این چنین به نظر می‌رسد که رابطه حقوقی مابین شورای نگهبان و دیوان عدالت اداری، در دو جا محسوس است: بند «و» ماده (۱۵) و ماده (۳۳). در بند «و» ماده (۱۵) مقرر شده «در مواردی که در جریان رسیدگی به موضوع در هیئت تخصصی، اعلام مغایرت مصوبه با شرع نیز واصل شود، مراتب ابتدا به رئیس دیوان منعکس می‌شود تا مراتب مغایرت یا عدم مغایرت مصوبه موضوع درخواست ابطال با شرع، از شورای نگهبان استعلام شود. پس از وصول نظریه شورای نگهبان، پرونده به هیئت تخصصی مربوط اعاده و ارجاع می‌شود تا حسب مورد، اتخاذ تصمیم لازم به عمل آید». با مسامحه می‌توان مفاد این بند را پذیرفت، با این توضیح که تنها ۶ نفر فقیه شورای نگهبان باید نظرشان را راجع به مغایرت یا عدم مغایرت مصوبه با شرع مقدس اعلام نمایند، ولی اینجا «نظریه شورای نگهبان» ذکر شده، اما در ماده (۳۳)، به درستی به «نظر فقهای شورای نگهبان» اشاره شده است: «در مواردی که درخواست ابطال مصوبه‌ای در هیئت تخصصی به لحاظ مغایرت با شرع مورد رسیدگی قرار گرفته و هیئت تخصصی نیز به استناد نظر فقهای شورای نگهبان شکایت را رد کرده باشد، این شکایت مشمول اعتراض موضوع بند «ب» ماده (۸۴) قانون نخواهد بود». بنابراین بر اساس شکایت شاکي (شاکي‌ها) مبنی بر ادعای خلاف شرع بودن مصوبه مورد نظر، فقهای شورای نگهبان ملزم شده‌اند نسبت به آن اظهار نظر نموده تا پس از اظهار نظر شرعی، روند بررسی و صدور رأی توسط قضات دیوان ادامه یابد.

معنای «لازم‌الاتباع» این است که نظر فقهای شورا، فصل‌الخطاب است و نه تنها هیچ قاضی دیگری نمی‌تواند روی نظر شرعی آن‌ها ایرادی بگیرد، بلکه هرگاه فقیه یا مجتهد جامع‌الشرایطی نظر مخالفی نسبت به موضوع بند، ماده یا خود مصوبه داشت، مسموع خواهد بود و هیئت‌های تخصصی و هیئت عمومی تنها مکلف به تبعیت از نظر فقهای شورای نگهبان می‌باشند.